

فیلم و کتاب‌هایی که با آن اوج می‌گیرید

خلبان نباش و پرواز کن!

ماهی‌ها پرواز می‌کنند

عربستان به جای ایتالیا و آمریکا!

فرض کنید یک پرواز اختصاصی به هر کشوری که می‌خواهید برای آن آماده است و شما باید عکس‌هایی از معماری ساختمان‌های آن کشور برای پایان نامه‌تان بگیرید، کدام کشور را انتخاب می‌کنید؟

«ماهی‌ها پرواز می‌کنند» رمانی سفرنامه‌ای است، از دید یک معمار جوان که به لطف صاحبخانه‌اش به حج مشرف می‌شود. او که برای پایان نامه‌اش به آلبومی از معماری‌های جهان نیاز دارد، برخلاف هم‌سن‌وسالانش، عربستان را جایگزین کشورهای مشهور می‌کند. در ۱۴ فصل این کتاب که شوط نامیده می‌شود، همراه دختر جوانی می‌شویم و ۱۰ روز را با او سپری می‌کنیم. روایت‌های این سفر در عین داشتن گره‌های فراوان، روان است و مخاطب را با خود همراه می‌کند. دخترانه‌ترین سفرنامه حج را می‌توان در این کتاب خواند و بدون سفرکردن از تجربیات گرانبهایش استفاده کرد.



کتاب‌ها و فیلم‌ها جدای از بحث سرگرمی برای بسیاری از انسان‌ها راه فراری از این دنیای سیاه و سفیدند! با خواندن کتاب و دیدن فیلم‌ها می‌توان کارهایی را متصور شد و به درجه انجام دادن آنها رسید که یا جرات انجام آنها را در این دنیای واقعی نداریم یا شرایطش برای مان فراهم نیست. شاید به نظر برسد که در حال خواندن یا تماشا باشیم، ولی روح و ذهن مان در حال زندگی کردن در دنیایی است که فیلم و کتاب‌های خوب برای مان می‌سازند و تبدیل می‌شویم به شهروند ساکن شهر خیالات! برای همین تصمیم به معرفی چند شهر گرفتیم که می‌توانید هرچقدر که می‌خواهید شهروند آنها باشید

علیرضا عالی‌بیگی
نوجوانه

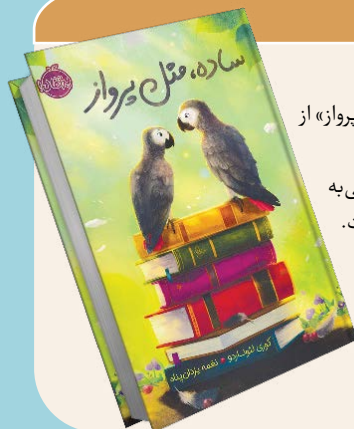


ساده، مثل پرواز

نقشه فرار

گاهی اوقات پرواز یعنی همین که پاهایت روی زمین باشد و این است داستان «ساده، مثل پرواز» از کوری لئوناردو.

آلیستر، نام یک طوطی خاکستری آفریقایی است که در اتاقی دلگیر از یک فروشگاه حیوانات خانگی به دنیا آمده است و همواره در این رویاست که از آنجا گریخته و به جایی برود که آسمانش آبی‌تر است. زندگی آلیستر از آنجایی از این رو به آن رو می‌شود که صاحب جدیدش او را می‌خرد. شاید بگویید مگر کل زندگی‌اش نباید منتظر این لحظه باشد؟! ولی نه! اگهی اسم خواهر اوست که روشنایی و امید او در زمان سختی بود. حال خود را جای او بگذارید. به عنوان آلیستر این قصه، بین دوری از خواهر دل‌بند و فرار از دست صاحبی که کم‌کم از او خوشش می‌آید باید کدام راه را انتخاب کند؟



پرواز از اردوگاه

فیلمی حماسی با چاشنی ماجراجویی!

یکی از شروط فرار کردن، بی‌سروصدا بودن و اطلاع نداشتن کسانی است که شما را اسیر کرده‌اند. فکر کنید وارد عملیاتی سری برای به دست آوردن مهم‌ترین اطلاعات دشمن‌تان شده‌اید، حال قضیه لورفته و فرار شما مساوی است با نجات جان شما! درست مثل شخصیت‌های این فیلم: سرگرد عباس حلمی، خلبانی است که پس از دست یافتن به اطلاعات مهمی در عملیات شناسایی به اسارت نیروهای عراقی درمی‌آید. وی با همکاری سایر اسرای ایرانی، نقشه فرار از اردوگاه را برای رساندن اطلاعات خود به نیروهای ایرانی طرح‌ریزی می‌کند.



عراقی‌ها به نقشه او پی می‌برند و برای دستیابی به اطلاعات سعی می‌کنند یک فرار هدایت‌شده را برای او طرح‌ریزی کنند. یعنی درحالی‌که سرگرد فکر می‌کند در حال فرار است هیچ خبری از توطئه و نقشه شومی که برای او کشیده‌اند ندارد! عباس حلمی به همراه یک سپاهی و یک بسیجی طی عملیاتی از اردوگاه می‌گریزند. ولی در دام نیروهای عراقی می‌افتند و ... باقی ماجرا تصمیم شماس است که بنشینید پای این فیلم یا نه!

ترمینال

وقتی فرودگاه تبدیل به خانه‌ای اجباری می‌شود!

تا الان راجع به پرواز و هواپیما گفتیم، ولی این بار شخصیت اصلی ما اصالتاً توانست سوار هواپیما شود! تصورش را بکنید، جمدان را بسته‌اید، همه مدارک آماده است و سر موقع به فرودگاه می‌رسید؛ ولی هواپیما با تمامی مسافران منهای شما به پرواز درمی‌آید! شاید بپرسید چرا؟ ویکتور ناورسکی (تام هنکس)، مردی اهل اروپای شرقی است که خیال دارد به نیویورک مهاجرت کند. به خاطر وقوع کودتایی در کشورش، در فرودگاه کندی نیویورک گیر می‌افتد. ویکتور در واقع قربانی بند و تبصره‌های اداری شده است؛ گذرنامه‌اش از کشوری صادر شده که در همان چند ساعت سفرش از اروپا به آمریکا، حکومتش تغییر کرده و فعلاً به طور رسمی وجود خارجی ندارد.



ویکتور حالا در سالن انتظار فرودگاه کندی گیرافتاده و نه اجازه بازگشت به کشورش دارد و نه حق خروج از فرودگاه!

در این میان، فرانک دیکنس، مدیر فرودگاهی است که ویکتور را مایه دردسر می‌داند و می‌خواهد هرچه زودتر از شرش خلاص شود؛ ولی سایر کارمندان فرودگاه، از جمله مهمان‌داری به نام آملیا، از او - اگرچه به صورت غیررسمی - به عنوان یکی از کارمندان فرودگاه استقبال می‌کنند. درحالی‌که روزهای انتظار به هفته‌ها و ماه‌ها می‌کشد، سالن انتظار فرودگاه از محیط رعب‌آور و زورکی ادغام در یک جامعه، به نمونه کوچکی از خود آن سرزمین تبدیل می‌شود: سرزمینی متشکل از فرهنگ‌ها، جاه‌طلبی‌ها، جایگاه‌های متفاوت اجتماعی، افکار و عقاید متنوع و عشق و نیاز آدم‌ها به یکدیگر. ویکتور حالا باید یاد بگیرد تا فرودگاه را خانه خودش بداند و آنجا زندگی کند.

برگ سبز خودرو سواری پیکان ۱۶۰۰
مدل ۱۳۷۶ به رنگ سفید شماره انتظامی
ایران ۱۳-۸۱۹۰۸۴ شماره موتور 11127681215
شماره شاسی 76483898 به مالکیت حسین حسن زاده
مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و کارت موتور سیکلت رهرو رنگ نقره‌ای
مدل ۱۳۹۲ به شماره پلاک ایران ۱۲۵-۱۴۲۳۲
و شماره موتور 0124NBJ392157 و شماره تنه
NBJ***125G9236151 به نام رضا حمزه موحد
مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب زهرا علی‌پور فرزند احمد
به شماره شناسنامه ۰۰۲۰۱۶۸۲۸۴ صادره از تهران در مقطع
کارشناسی رشته علوم و مهندسی صنایع غذایی صادره از
واحد دانشگاهی علوم و تحقیقات با شماره ۴۴۸۶۵۱۵۴-۸
مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود
اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات
به نشانی: انتهای بزرگراه شهید ستاری، میدان دانشگاه، بلوار
شهدای حصارک ارسال نماید.

برگ سبز خودرو سواری رانا RUNNA PLUS TUS
مدل ۱۴۰۱ رنگ سفید شماره موتور 172B0095748
شماره شاسی NAAU01FE3NT378838 به شماره
پلاک ایران ۲۴-۸۴۸۰۴۸ به نام فریده
حیدری ال کثیر مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کارت خودرو سواری هیوندای تیپ انترا
مدل ۲۰۱۵ به شماره پلاک ۳۱-۳۱۰۶۷۲ ایران ۱۱
و شماره شاسی KMHDH41E3FU317327
و شماره موتور G4NBEU746898 مفقود و از
درجه اعتبار ساقط است.

برگ کمپانی خودرو پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۲ رنگ
قرمز متالیک به شماره شاسی 82613141
و شماره موتور 10FSF94323567 و شماره پلاک
۶۴ ب ۴۹۶ ایران ۳۸ به نام همایون نوروزی پیشگاهی
مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند کمپانی، برگ سبز و کارت بیمه DENA+EF7-MT
مدل ۹۷ به شماره موتور 147H0436089
شماره شاسی NAAW21HU8JE125876
شماره انتظامی ۹۱-۳۵۵ ن ۴۹ به نام محمد مهدی
جهانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

اسرار آگاهی‌های
روزنامه جام‌جم
۴۹۱۰۵۰۰۰
شماره تلفن پذیرش